

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۹۵/۸۲۴ رده بندی کنفرانس: ب ۵۰۳/۲

راهکارها و چالش های حقوق جزا و جرم شناسی در توسعه

کسب و کار در کشور

محبوبه کهزادی باصری^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

معصومه کهزادی باصری

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان

چکیده

امروزه اقتصاد و رونق اقتصادی یکی از مؤلفه های مهم و حیاتی پیشرفت و قدرت یک حکومت و ملت شناخته میشود و تلاش برای توسعه و تعمیق فعالیتهای اقتصادی ترین دغدغه به یکی از مهم ها و نگرانیهای سیاستمداران و برنامه ریزان تبدیل گشته است. دولت ها ابزارهای فراوانی برای حمایت از سرمایه گذاری و خصوصی سازی در اختیار دارند که از جمله میتوان به تعدیل ابزارهای کیفری در مواجهه با جرایم و ناهنجاریهای اقتصادی اشاره نمود. به نظر می رسد، کیفرزدایی از جرایم کسب و کار قادر است که آرمان مورد نظر ما در خصوص حمایت از اقتصاد و سرمایه گذاری و بالا بردن کسب و کار در کشور را به نتیجه برساند. در این مقاله سعی شده است این موضوع مورد بررسی و تحلیل حقوقی قرار گیرد تا بتوان راهکارها و چالشهای جرم شناسی در مقابله با کسب و کار در ایران را مورد بررسی و کنکاش قرارداد و بهترین نتیجه در این راه را به دست آورد.

واژگان کلیدی: حقوق، توسعه، کسب و کار، کیفر زدایی

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: کلیات

انجام فعالیت‌های اقتصادی بیشتر موجب رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، افزایش مالیات برای دولت و افزایش رفاه عمومی می‌شود. از این‌رو دولت‌ها برای ایجاد فضای کسب و کار توسط فعالان اقتصادی و بخش خصوصی تلاش می‌کنند و اقدامات اصلاحی فزاینده‌ای برای نیل به این مقصود انجام می‌دهند. توسعه بخش خصوصی در بستر اقتصاد ملی بر پایه عوامل متعددی اعم از قوانین، زیرساخت‌های گسترده فیزیکی و نهادی، محیط باثبات اقتصادی، توسعه پایدار بازارهای مالی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مقررات بازار کار، توسعه فناوری‌های نوین و آموزش و یادگیری مستمر استوار است. توسعه اقتصادی در گرو توسعه و بهبود فضای کسب و کار است. از این‌رو ایجاد زیرساخت‌های زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب و کار از الزامات و اولویت‌های ضروری دولت و نهادهای مدنی همچون اصناف و تشکل‌هاست. بدون تردید اصلاح و بهبود فضای کسب و کار و شاخص‌های مرتبط در عرصه تجارت جهانی نه تنها گامی مثبت و ارزنده در جهت تقویت مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و افزایش سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود بلکه عامل جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل‌کننده جریان انتقال دانش فنی و منابع پولی و مالی جدید به کشور است. حرکت به سوی خصوصی‌سازی بدون پشتوانه فضای مناسب کسب و کار نتایجی خلاف انتظار به بار خواهد آورد، نمونه قابل ذکر در این رابطه کشورهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند که طی مدت کمتر از چهار سال توانستند سهم بخش خصوصی در اقتصاد را چند برابر کنند اما در نهایت، به دلیل وجود فضای نامناسب کسب و کار مجدداً به ملی‌گرایی و دولتی کردن اقتصاد روی آوردند. خوشبختانه، در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که با عنوان طرح یک‌فوریتی ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار مطرح شده است، روز یکشنبه ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ به تصویب مجلس

شورای اسلامی و تایید شورای محترم نگهبان رسید و به قوه مجریه ابلاغ شده است؛ لذا به عزم ملی برای اجرایی شدن قانون مربوطه نیاز است. به نظر میرسد که حمایت واقعی نظام کیفری از توسعه کسب و کار از طریق ساختارشکنی درون قلمرو کیفری و کاستن از تهدیدهای کیفری صورت می پذیرد. اما در گیرد عین حال حمایت از حقوق سرمایه گذاران بیشتر در گرو وفاداری به حقوق کیفری و مواجهه مقرراتی است که هرگونه تعرض به حقوق دیگران را با مجازات می گرداند. البته این نظر به آن معنا نیست که حمایت از توسعه کسب و کار صرفاً از طریق ابزارهای غیر کیفری ممکن است. بلکه در این خصوص هر دو نوع حمایت یعنی کیفری و غیر کیفری مؤثر و مفید می باشد. لیکن اهمیت ابزارهای غیر کیفری از آنروست که نقش آنها در ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران بیشتر است. در این مقاله به راهکارها و چالشهای حقوق جزا و جرم شناسی در توسعه کسب و کار در کشور می پردازیم. همواره یکی از چالش خصوصیهای سازی نگرانی سرمایه گذاران بخش خصوصی از قیدوبندهای نظام کیفری در حوزه فعالیتهای اقتصادی بوده است که با جرم انگاری رفتارهای متعارف یا مجازاتهای نامناسب، سرمایه گذاران را در معرض آسیب های بیرحمانه حقوق کیفری قرار میدهد. از این رو سیاست جنایی درست اقتضا می کند که قانونگذار با توسل به شیوههای کیفری سلبی مثل کیفرزدایی از فعالیتهای اقتصادی سایه های حقوق کیفری بر اینگونه فعالیت ها را کوتاه کند.

بخش دوم: تحلیل و ارزیابی فضای کسب و کار

همان طور که عنوان شد، تا به امروز شاخص های مختلفی توسط سازمان های مختلف بین المللی به منظور تحلیل و بررسی فضای کسب و کار ارائه شده است. از جمله این شاخص ها می توان به شاخص های مجمع جهانی اقتصاد، بنیاد هریتیج، موسسه فریزر، سازمان دیده بانی جهانی کارآفرینی G.E.M، شاخص رقابت جهانی، شاخص توسعه انسانی و

موسسه کار و تامین اجتماعی اشاره کرد؛ اما در این میان شاخص بهبود یا سهولت فضای کسب و کار به دلیل ماهیت شکل‌گیری دارای رویکرد جدید و منحصر به فردی است که با عنوان شاخص «Ease of Doing Business» از سال ۲۰۰۳ در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت. شاخص مربوطه به شاخصی نسبتاً معتبر برای سنجش اقتصاد کشورها تبدیل شده است و از سوی فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران کلان کشورها مورد اقبال بیشتری قرار گرفته است. شاخص بانک جهانی در زمینه بهبود فضای کسب و کار و به منظور یکسان کردن زیر شاخص‌های (ده‌گانه) تحلیل فضای کسب و کار و ایجاد امکان مقایسه آنها، تعاملات یک کسب و کار فرضی را از مرحله آغاز فعالیت با نهادهای قانونی، دولتی، قضایی و اقتصادی، همچنین طی کردن مراحل متعدد از تاسیس تا انحلال با در نظر گرفتن تعداد مراحل لازم، مدت زمان و هزینه مترتب، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر در بررسی این شاخص (شامل شاخص‌های ده‌گانه)، دو نوع داده در نظر گرفته می‌شود: ۱- مطالعه قوانین و مقررات جاری محیط اقتصادی هر کشور ۲- شاخص‌های کار و زمان لازم طی مراحل مختلف برای آغاز و تداوم فعالیت‌های اقتصادی. در شاخص کلی بانک جهانی که به شاخص‌های ده‌گانه طبقه‌بندی می‌شود هزینه‌ها شامل هزینه زمان و پول از گزارش‌های رسمی ادارات مربوطه در هر کشور استخراج می‌شود و نسبت به بررسی و تحلیل آن توسط کارگروه‌ها اقدام لازم صورت می‌پذیرد.

بند اول: شاخصی اصلی به نام سهولت (بهبود) فضای کسب و کار

همان‌طور که قبلاً اشاره شد پروژه بررسی فضای کسب و کار از سال ۲۰۰۳ میلادی به‌طور رسمی در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت که آخرین و دهمین گزارش بانک جهانی در رابطه با این شاخص در اکتبر ۲۰۱۲ منتشر شد که تحت عنوان Doing Business ۲۰۱۳ موجود است. پروژه ارزیابی فضای کسب و کار توسط موسسه (IFC)

International Financial Corporation به عنوان بازوی توسعه بخش خصوصی

در بانک جهانی مدیریت می شود. هدف اصلی بررسی فضای کسب و کار، بررسی تعیین میزان سادگی کسب و کار بدون تاثیر عوامل تاثیرگذار خارجی است. تفاوت اصلی میان این شاخص و سایر شاخص ها تا حدود زیادی ماهیت غیرسیاسی آن است که سبب شده است این شاخص به عنوان شاخصی نسبتاً معتبر، مورد استقبال عموم کشورها قرار گیرد. نتیجه حاصل از این بررسی تا حدود زیادی نشان دهنده تعامل اقتصاد ملی با فعالان اقتصادی بالاخص بخش خصوصی است. در گزارش سال ۲۰۱۲ به دلیل انتقادات مداوم و پیشنهادات ارائه شده توسط برخی نهادهای بین المللی تغییراتی در شاخص های ده گانه اعمال شد و شاخص اشتراک برق (دسترسی به انرژی الکتریکی) به جای شاخص استخدام و اخراج نیروی کار جایگزین شد. همچنین در گزارش سال ۲۰۱۳ شاخص های ده گانه جدید همچنان مورد رتبه بندی قرار گرفتند اما یک شاخص به عنوان استخدام نیروی کار به عنوان شاخص فرعی و یازدهم که مورد رتبه بندی قرار نمی گیرد به لیست مربوطه ضمیمه شده است. بر اساس بررسی ها و مطالعات انجام شده توسط بانک جهانی برای شروع یک کسب و کار ولو کوچک پس از تصمیم گیری در مورد نیاز بازار به محصول تولیدی می بایست ثبت در دفاتر رسمی صورت پذیرد و سپس نیروی کار استخدام شود. پس از فراهم شدن مقدمات لازم تولید آغاز و نسبت به اخذ استانداردهای لازم و مجوزهای مورد نیاز جهت عرضه محصول به بازار اقدام شود و کیفیت محصول افزایش یابد. همچنین، پس از ورود محصول به بازار و سودآوری شرکت می بایست نسبت به پرداخت مالیات و عوارض اقدام کند. علاوه بر موارد عنوان شده، شرکت ممکن است نسبت به برنامه ریزی برای صادرات محصول خود اقدام کند. این تصمیم گیری سبب خواهد شد فرآیندهای دیگری به چرخه فعالیت شرکت اضافه شود. نیاز به مراجعه به نهادهای قانونی در تمامی موارد مذکور مشهود

است. حتی در صورت عدم فعالیت، تعلیق، ورشکستگی یا انحلال لازم است مراحل را طبق مقررات جاری طی کرد. از این رو یک کسب و کار از زمان شروع تا انحلال باید چرخه‌ای را طی کند و در هر مرحله از چرخه مزبور بر اساس قوانین و مقررات جاری آن کشور باید هزینه زمانی و مالی صرف کند. در صورتی که مراحل مربوطه مشکل‌تر و پرهزینه‌تر باشند تمایل فعالان اقتصادی اعم از حقیقی یا حقوقی به آغاز یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی کمتر می‌شود. شاخص ارائه‌شده توسط بانک جهانی در حوزه کسب و کار و ارائه گزارش‌های سالانه جهت اعلام نتایج حاصله بر پایه مراحل عنوان‌شده شکل گرفته است و موید سنجش سهولت شروع و تداوم کسب و کار در تعامل محیط کلان اقتصادی است. معیارهایی که بانک جهانی برای اندازه‌گیری هر یک از شاخص‌های ده گانه در نظر می‌گیرد نشان‌دهنده وضعیت فضای کسب و کار در هر کشور است که اصلی‌ترین آنها زمان و هزینه لازم برای عبور از مراحل قانونی است.

بند دوم: فضای کسب و کار و موانع پیش‌رو

در چند سال گذشته موانع گوناگونی سبب شده که اقتصاد ایران با وجود سیاستگذاری‌های انجام‌شده در برنامه‌های پنج‌ساله و سند چشم‌انداز نظام نتواند به اهداف از پیش تعیین‌شده نزدیک شود.

در چند سال گذشته موانع گوناگونی سبب شده که اقتصاد ایران با وجود سیاستگذاری‌های انجام‌شده در برنامه‌های پنج‌ساله و سند چشم‌انداز نظام نتواند به اهداف از پیش تعیین‌شده نزدیک شود. کاهش فزاینده رشد اقتصادی و عدم رشد بخش خصوصی موجب شده رتبه ایران در رتبه‌بندی‌های مختلف، به خصوص بانک جهانی، مطلوب نباشد. از جمله مهم‌ترین عوامل وضعیت نامطلوب اقتصادی پیش‌رو، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی دولت

به بخش خصوصی در تنظیم و تدوین سیاست‌های اقتصادی و عدم پابندی به تعهدات سیاست‌گذاری خود در قبال بخش خصوصی، تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی، عدم وجود امنیت مطلوب اقتصادی در فضای رقابتی و عادلانه، شفاف نبودن فعالیت‌های اقتصادی و نبود امکان نظارت عمومی بر مسائل مالی و اقتصادی، فقدان جریان آزاد اطلاعات و وجود ارتباطات پنهان و ناسالم اقتصادی که مانع از صیانت حقوق مالکیت می‌شود؛ همچنین عدم تداوم سیاست‌های اقتصادی و فقدان ضمانت اجرایی لازم برای نیل به آنهاست.

با بررسی شرایط اقتصادی و فضای کسب و کار در ایران عوامل و دلایل متعدد بازدارنده دیگر نیز قابل شناسایی است. وجود تحریم‌های روزافزون بین‌المللی بر ضد ایران و شرایط اقتصاد جهانی بر اقتصاد فضای کسب و کار و رفتارهای کارآفرینانه ملی بسیار موثر است.

در فضای معاصر نمی‌توان کشوری را یافت که از تجارت کالا و خدمات، انتقال دانش فنی و جریان‌ات مالی بین‌المللی بی‌نیاز بوده و به رشد اقتصادی پایدار و بهبود فضای کسب و کار نائل شود. در حال حاضر در ایران تحریم‌های بین‌المللی به عنوان بزرگ‌ترین مانع بهبود فضای کسب و کار است.

چارچوب کیفرزدایی از جرایم کسب و کار برای بررسی چارچوب کیفرزدایی از جرایم کسب و کار پیش از هر چیز باید ببینیم که منظور از کیفرزدایی چیست و بر اساس چه معیارهایی میتوان به کیفرزدایی از جرایم کسب و کار روی آورد؟ علاوه بر این، با توجه به اینکه حقوق کیفری وظیفهٔ پاسداری از نظم عمومی را بر عهده دارد این سؤال مطرح میشود که نسبت بین کیفرزدایی و بینظمی چیست. به عبارت دیگر، آیا کیفرزدایی این خطر را به دنبال ندارد که بر نظم عمومی در عرصهٔ فعالیت‌های اقتصادی خدشه وارد کرده و بینظمی را بر این قلمرو حاکم نماید؟ این پرسش طبیعتاً به پرسش دیگری ختم

میشود و آن اینکه برای گذار تحمیل پاسداری از نظم عمومی در کیفرزدایی چه الزاماتی ممکن است بر قانون شود؟ سرانجام، با فرض اینکه کیفرزدایی در چارچوب رعایت الزامات مختلف باع بینظمی در فعالیتهای اقتصادی نمیشود، باید سعی کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که چه جرایمی را میتوان مشمول کیفرزدایی قرار داد؟ لذا در این بند ضمن آشنایی با مفهوم کیفرزدایی و معیارهای آن تالش خواهیم کرد آن دسته از جرایم مرتبط با فعالیتهای اقتصادی که میتوانند مشمول کیفرزدایی قرار گیرند را مورد بررسی قرار دهیم.

بخش سوم: وضعیت شاخص بهبود فضای کسب و کار در ایران

چندین سال است که در کشور ما به موضوع بهبود فضای کسب و کار پرداخته شده است. هر چند اقدامات اجرایی لازم جهت نیل به اهداف از پیش تعیین شده صورت نپذیرفته است. در برنامه سوم توسعه، ضمن تاکید بر بهبود فضای کسب و کار و توانمندسازی بخش خصوصی با عنایت به اصلاح ساختار اداری و اقتصادی کشور سعی شد چارچوبی جهت واگذاری سهام شرکت‌های دولتی تبیین شود تا مبنای سنجیده‌تری برای خصوصی‌سازی فراهم شود و مفاد قانونی آن در قانون برنامه چهارم توسعه کشور تنفیذ شد. در برنامه چهارم توسعه نیز رونق بخشیدن به تجارت خارجی کشور به عنوان مکمل سیاست‌های تنفیذ شده برنامه سوم جهت توانمندسازی بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار جزیی از اهداف قانونگذار بود که در فصول اول و دوم بخش اول برنامه توسعه چهارم تصریح شده است. همچنین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در موارد پیشنهادی لایحه پنجم ذیل عنوان بهبود فضای کسب و کار و تطابق آن با سیاست‌های برنامه پنجم، علاوه بر تاکید بر موارد مطروح در برنامه سوم و چهارم خواستار اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی و نیز تقویت پوشش‌های بیمه‌ای برای کاهش خطرات تولید و سرمایه‌گذاری و همچنین، ضرورت توجه به حق برند جهت بهبود فضای کسب و

کار شد. اصلاح مستمر مقررات، رویه‌ها و دستورالعمل‌های مانع سرمایه‌گذاری و توان تولیدی نیز جزو پیشنهادات این مرکز بوده است. بند «۳-۲۱» سیاست‌های برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری نیز به موضوع بهبود فضای کسب و کار پرداخته است که بر آن اساس دولت موظف شده است تا با ایجاد زمینه‌های لازم جهت ثبات اقتصاد کلان، کاهش خطرپذیری‌های اقتصادی، فراهم کردن زیرساخت‌های لازم و ارائه مستمر آمار و اطلاعات در قالب برنامه پنجم توسعه شرایط بهبود فضای کسب و کار را مهیا کند. مواد ۶۶ تا ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه نیز زیرعنوان «بهبود فضای کسب و کار» پیشنهاد شده‌اند. در نهایت، در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار پس از چندین سال کار کارشناسی به پیشنهاد اتاق بازرگانی با همکاری تنگاتنگ با مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و انجام اصلاحات لازم طی ۲۹ ماده به عنوان طرح یک‌فوریتی ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار مطرح شد و در ۹۰/۱۱/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان رسید که جهت اجرا ابلاغ شده است.

به‌رغم انجام موارد مذکور و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر، وضعیت فضای کسب و کار در کشور بر اساس گزارش بانک جهانی مطلوب و رو به بهبود نیست بلکه می‌توان گفت طی سه سال گذشته روند نزولی داشته است؛ از این‌رو می‌بایست سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مورد تجدید نظر جدی قرار گیرند و با ارائه مشوق‌های لازم جهت توسعه فرهنگ کارآفرینی موانع موجود رفع شوند. پس از ارزیابی رتبه‌های حاصل از جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که بهترین رتبه ایران در میان شاخص‌های ده‌گانه مربوط به لازم‌الاجرا شدن قراردادهاست که شامل ۳۹ فرآیند قانونی، ۵۰۵ روز زمان لازم برای دادرسی و ۱۷ درصد از ارزش مورد دعوی است و به‌رغم

اصلاحات لازم طی دو سال اخیر همچنان با یک رتبه صعود، حائز رتبه ۵۳ شده است که از این لحاظ تنها شاخصی است که در آن ایران حائز رتبه بالاتری نسبت به مجموع کشورهای منطقه خاورمیانه شده است. همچنین، در شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران) با ۱۷ رتبه صعود به رتبه ۱۵۰ نائل شده است که به دلیل اصلاحات صورت پذیرفته در حوزه تقویت حمایت از سرمایه‌گذاران بوده است.

به‌رغم صعود ۱۷ پله‌ای ایران در این رتبه‌بندی، ایران دارای کمترین امتیاز در میان حوزه کشورهای منطقه خاورمیانه است. شاخص دیگری که ایران در آن شاهد بهبود چشمگیری بوده است شاخص اخذ اعتبار است که با ۱۴ پله صعود نسبت به سال ۲۰۱۲ رتبه ۸۳ را کسب کرده است که با این رتبه در جایگاه میانی کشورهای منطقه خاورمیانه قرار می‌گیرد. رتبه حاصل، نتیجه اقدامات اصلاحی صورت پذیرفته در این حوزه و سامانه رتبه‌سنجی در نهاد رتبه‌بندی و اعتبارسنجی در نظام اعتباری ایران از سال ۲۰۱۱ است.

در نهایت، شاخصی که رتبه ایران در آن کاهش چشمگیری داشته است رتبه شروع کسب و کار است که با ۳۷ پله سقوط، رتبه ۸۷ را کسب کرده است که به نوبه خود قابل تامل است و بیانگر افزایش زمان و هزینه راه‌اندازی کسب و کار است.

بخش چهارم: موانع سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار در ایران

با توجه به آمارهای موجود و نیز شاخص‌های ده‌گانه توسعه فضای کسب و کار، ضرورت آسیب‌شناسی موانع موجود در مقابل توسعه فضای کسب و کار در ایران ضرورت می‌یابد. در آسیب‌شناسی موانع بهبود فضای کسب و کار در ایران، فرهنگ‌سازی در بستر جامعه جهت ارتقای جایگاه سرمایه‌گذار و کارآفرین و تغییر نگرش غلط موجود امری ضروری است. این مهم ناشی از موانع سرمایه‌گذاری زیر است.

۱. ضعف اقتصادی

سرمایه گذاری به طور اعم، چه داخلی و چه خارجی در مکانی صورت می گیرد که امنیت وجود داشته باشد. امنیت اقتصادی اصولاً ناظر بر حقوق مالکیت افراد و تضمین اجرای قراردادهاست. منظور از حقوق مالکیت فردی، حقوق مالکیت خصوصی است.

۲. اعطای امتیازات و تسهیلات نامناسب به سرمایه گذاران

یکی از اشتباهات رایج در ایران تلقی اعطای امتیازات و تسهیلات به سرمایه گذاران به جای تضمین قراردادها در چارچوب ایجاد امنیت سرمایه گذاری است. این مساله نه تنها به سرمایه گذاری در کشور کمک نکرده است بلکه باعث ایجاد فساد و خارج شدن سرمایه گذاری از مسیر اصلی شده است. یعنی کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوءاستفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده اند. ارائه ارز ارزان قیمت، تسهیلات بانکی و معافیت های مختلف زمینه ساز ایجاد رانت است. این مساله روند سرمایه گذاری و تولید را دچار اختلال کرده است.

۳. دیوان سالاری گسترده

بزرگ ترین عامل ناامنی در اقتصاد ایران به طور عام و سرمایه گذاری به طور خاص، دیوان سالاری دولت است. علت عمده این مساله، مقررات دست و پاگیر و وجود نهادهای مشابه و موازی است. حکومت قانون با اجرای مقررات زیاد و آیین نامه های متعدد همخوانی ندارد. در حقیقت مقررات وقتی زیاد می شود، اجرا نمی شود. مقررات زیاد به معنای بیرون آمدن از حکومت قانون و آزاد گذاشتن دست اراده های خاص و افزودن به

قدرت دیوان‌سالاران است. در ایران آنچه وجود داشته مقررات موازی، دست و پاگیر و بعضاً متناقض حکومت قانون بوده است.

۴. مشکلات نهادی و قانونی

الف - قانون کار

یکی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی و ناامنی سرمایه‌گذاری، قانون کار است. این قانون با این پیش‌فرض که کارفرما می‌خواهد کارگر و کارمند را استثمار کند و قانون کار مانع این عمل می‌شود، شکل گرفته است. این مساله عدم اعتماد میان کارگر و کارفرما و ناامنی سرمایه‌گذاری و تولید را موجب شده است. قانون کار باید بر مبنای همسویی منافع کارگر و کارفرما و نه در جهت تضاد منافع آنها تنظیم شود.

ب - تامین اجتماعی

تامین اجتماعی ایران یکی از بالاترین نرخ‌ها با پایین‌ترین خط ارائه خدمات را داراست. این نهاد اجتماعی، ۳۰ درصد سود کارفرما و حق کارگر را جذب می‌کند. این ۳۰ درصد هزینه تولید را افزایش می‌دهد و هیچ توجیه اقتصادی ندارد.

ج - قانون مالیات

نرخ مالیات در ایران در امور تولیدی و سرمایه‌گذاری بسیار بالاست. مثلاً اگر سرمایه‌گذاری درآمدی بیش از ۱۰ می‌لیون تومان داشته باشد، باید ۵۰ درصد آن را مالیات دهد. این مهم قانون مالیات ایران را به یکی از عجیب‌ترین قوانین مالیاتی تبدیل کرده است. البته اخیراً وزارت امور اقتصادی و دارایی به دنبال اصلاح آن است.

از این رو فراهم کردن شرایط و زمینه‌ها در جهت رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی ضروری و لازم است.

۱. ایجاد باور داخلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مهم‌ترین شرط جذب سرمایه‌گذاری خارجی، باور عمومی نسبت به کارایی و مفید بودن این منابع در فرآیند توسعه اقتصادی کشور است. تا زمانی که این ایده حاکم باشد که حضور سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایجاد سلطه می‌کند، این منابع جذب نخواهند شد. باید باور عمومی نخبگان سیاسی با درک واقعیات روز جهان و کشور به این نتیجه برسد که جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای توسعه کشور و حیات آن در اقتصاد جهانی امری لازم و ضروری است. این بدان معنا نیست که باید به نام سرمایه‌گذاری خارجی سلطه دیگران را پذیرفت بلکه همانند دیگر کشورها چارچوبی طراحی کرد که سرمایه خارجی جذب شود.

۲. پذیرش رویه‌های علمی تجربه‌شده در دنیا

ایران در حال حاضر در یک برآیند خوداختراعی زندگی می‌کند. نظام تصمیم‌گیری کشور باید برآیند کارشناسی‌های مبتنی بر تجربه دیگران و تطبیق دادن با وضعیت سیاسی و اقتصادی خودمان باشد.

۳. دخالت‌های مفید و سازنده دولت در فراهم کردن زمینه‌ها و

زیرساخت‌های جذب سرمایه خارجی

۱. ایجاد امنیت اقتصادی لازم

۲. تقویت بخش خصوصی از طریق احترام و تضمین مالکیت فردی و خصوصی

۳. تضمین قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی از طریق تصویب قوانین شفاف و کارآمد و عدم اعطای امتیازات و تسهیلات بیهوده به بخش سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از ایجاد رانت و رانت‌خواری.

۴. رفع جدی و سریع موانع سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه سرعت در شناسایی موانع و مشکلات و رفع آنها مهم و حیاتی است. در سال ۱۹۸۷ موانع سرمایه‌گذاری در ۳۳ کشور تقریباً مشابه بوده است. در طول ۱۳ سال سرعت اصلاح و رفع موانع در میان این کشورها متفاوت بوده است. در این میان کمترین سرعت مربوط به ایران و سوریه است. بالاترین سرعت از آن چین است. همچنین از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، ۱۱۸۵ قانون در کشورهای مختلف برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسیده است. در سال ۲۰۰۰، ۶۵ کشور اقدام به تغییر قانون برای جذب سرمایه کرده‌اند. به سبب شرایط سیاسی حاکم بر روابط بین‌المللی و تحریم، این روند، در ایران بسیار کند و بطئی بوده است.

۵. کاهش ریسک سیاسی

کاهش ریسک سیاسی نیز به اندازه کاهش ریسک اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. به طور طبیعی سرمایه‌گذاران برای حضور مطمئن در کشوری بیگانه به دولت متبوع خود متکی هستند. در این شرایط اگر روابط دوجانبه دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار خوب باشد و در عین حال دولت میزبان اعتبار بین‌المللی داشته باشد، این مهم در جلب اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذار خارجی برای فعالیت در کشور میزبان بسیار موثر خواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور با تنظیم

قابل اعتماد روابط دوجانبه و بالا بردن جایگاه سیاسی کشور، می تواند در این زمینه نقش مهمی ایفا کند.

۶. برنامه ریزی مشخص برای بهره گیری مناسب از سرمایه گذاری خارجی

قبل از پذیرش سرمایه گذاری خارجی باید برنامه ای مشخص برای نحوه استفاده از این منابع ارائه شود. این برنامه باید بر تعیین اولویت بهره گیری از سرمایه گذاری خارجی یعنی جبران منابع مالی، جذب تکنولوژی های روز یا سیستم کارآمد مدیریتی یا همزمان هر سه مورد مبتنی باشد. ضمن اینکه بخش های اقتصادی یا صناعی که بازدهی بیشتری برای کشور به لحاظ ایجاد درآمد ارزی بیشتر، افزایش اشتغال و کمک به حضور موفق در بازارهای جهانی دارند، باید در اولویت جذب سرمایه گذاری خارجی قرار گیرند.

۷. پیوند سرمایه گذاری های خارجی با بخش خصوصی

سرمایه گذاری های خارجی به مفهوم واقعی زمانی جذب می شوند که با بخش خصوصی کشور میزبان پیوند بخورند و یا فعالیت مشترک داشته باشند. بنابراین لازمه سرمایه گذاری خارجی، وجود یک بخش خصوصی قدرتمند است.

بخش پنجم: مراجع سیاست گذاری جنایی در مبارزه با جرائم اقتصادی

الف) مجلس شورای اسلامی

تنها مرجع صالح به قانونگذاری در عموم مسائل است که در حوزه مبارزه با جرائم اقتصادی نیز به این مهم اقدام کرده است که عملکرد آن یا در قالب موادی از قوانین مختلف مانند: ورشکستگی به تقصیر یا تقلب موضوع ماده ۵۴۱ و ۵۴۹ قانون تجارت و مواد

مورد داوران، ممیزان و کارشناسان موضوع ماده ۵۸۸ ق.م.آ و... و یا به صورت قوانینی مستقل مانند: قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۱، قانون مبارزه با پول شویی ۱۳۸۶، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت ۱۳۷۲ تجلی یافته است. در جوامع دارای نظام حقوقی مدون، مرسوم آن است که وضع قوانین و مقررات به مجالس قانون گذاری تفویض میشود و قانون گذاری از جانب سایر مراجع اساسا یا منع شده یا اینکه جنبه کامال استثنایی دارد .

ب) مجمع تشخیص مصلحت نظام

به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خالف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و یا مشاوری در اموری که رهبری به آنان ارجاع میدهد و نیز سایر وظایفی که در قانون اساسی ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل میشود. با این وجود، مجمع در امور کیفری به دو صورت مبادرت به وضع قانون کرده است؛ دسته اول قوانینی که بعد از حدوث ائتلاف بین مجلس و شورای نگهبان در مجمع تصویب شده است، مانند قانون اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و... دسته دوم، قوانین تشدید مجازات^۱ و بدون وجود سابقه قانون گذاری در مجلس، مرتکبین ارتشا، اختالس و کالهدرداری کیفری که رأسا در مجمع (بالغ بر ۲۰ عنوان) تصویب شده است. (حبیب زاده، ۱۳۸۳) که به جرئت می توان گفت که عمده قوانین کیفری پس از انقلاب که در مقابله با مصادیق جرائم اقتصادی تصویب شده‌اند مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند؛ مانند: قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، قانون تشدید مجازات جا علین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان مصرف کنندگان اسکناس معجول. (نورزاد، ۱۳۸۹، ص

ج) قوه مجریه

تصویب نامه هیئت وزیران در مورد تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز و.... (۱)
آییننامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب. (۲)
آیین نامه اجرایی ماده ۳۱ قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی.
آیین نامه اجرایی کمیسیون امور جنگل و جنگل نشینان شورای کشاورزی و امور روستایی. (۴) تصویب نامه هیئت وزیران در مورد تشکیل ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار مصوب. قوه مجریه از طریق کمیسیون امنیت نیز در بعضی موارد سیاست گذاری در امور امنیت کشور و یا تصمیم گیری در خصوص سیاست جنایی در موارد خاص مینماید.

د) قوه قضاییه

مستفاد از اصل ۸۵ و بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، این قوه (قضاییه) فاقد صالحیت قانون گذاری است، و نمیتواند اقدام به قانون گذاری کند؛ لیکن برای انجام امور داخلی خود میتواند بخشنامه یا دستورالعملی در راستای انجام وظایف قانونی محوله و در قالب قوانین مصوب مجلس تدوین کند؛ لیکن این موارد هیچ گاه نباید صفت قانون به خود گرفته و یا حتی از آن عدول نماید. با این نشان دهنده این است که در مقابله با جرائم اقتصادی دست به حال تجربه عملی قوه قضاییه بعضا اقداماتی زده است که در قانون پیش بینی نشده است. صدور دو دستورالعمل برای رسیدگی به جرائم اقتصادی و بنیان گذاشتن شعب اختصاصی با عنوان مجتمع امور اقتصادی از سیاست گذاریهای قوه قضاییه است که در خلاء قانون و در تأیید موارد فوق صورت گرفته است؛ لیکن دادن عنوان دستورالعمل برای رسیدگیهای مجتمع امور اقتصادی نوعی نگارش آیین دادرسی است که در صالحیت که بدون توجه به

این مهم نسبت به تصویب، ابلاغ قانون گذار است و اجرای آن اقدام شده است (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸)

بخش ششم: ارتباط نظام اقتصادی و نظام کیفری

الف) تأثیر اقتصاد بر بزهکاری فقر از قدیمی ترین عوامل شناخته شده بزهکاری است. در قرون متمادی مسأله فقر و اختلافات طبقاتی مورد توجه و بحث محافل علمی و فلسفی بوده است. راه حل ارائه شده اکثر فالفه و اندیشمندان، زدودن فقر و تعدیل ثروت و به تبع آن کم کردن فاصله طبقاتی و بهبود وضع معیشت طبقات فقر بوده است. تأثیر بزرگی در بهبودی اخالق ملل دارد. روح خشونت و وحشیگری را «دادوستد» «تجارت» «منتسکیو» معتقد است تعدیل مینماید، به طوری که در هر جا رواج دارد، اخالق مردم آنجا مالیم است، اگر دیده میشود اخالق ما امروز خیلی مالیمتر از اخالق نیاکان ما میباشد و ما آن خشونت و سبعت را نداریم برای آن است که تجارت اخالق ما را تعدیل نموده زیرا بازرگانی سبب میشود اقوام و ملل مختلف با یکدیگر آمیزش کنند و به اخالق و روحیات یکدیگر پی برند و به این طریق تباری اخالق و اختلافات زندگی که در آغاز خیلی غیر مأنوس میباشد از بین میرود. سپس بازرگانی هم مذهب اخالق و هم مفسد آن است؛ زیرا در عین حالی که در اثر آمیزش موجب تهذیب اخالق ملل وحشی است، باعث فساد اخالق ملل مذهب میشود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴)

بنابراین همان گونه که داد و ستد و رونق اقتصادی نقش مهمی در جلوگیری از بزهکاری دارد و به خاطر نیاز جوامع به دیگری و حتی افراد به همدیگر مانع وقوع بزهکاری میشود، در مقابل با فاسد شدن اخالق ملل مذهب موجب وقوع بزهکاری میگردد.

ب) تأثیر نظام کیفری بر نظام اقتصادی با توجه به اینکه نظام کیفری به دنبال ارعاب و سرکوبی عوامل سازنده بزهکاری است و هدف اصلی نظام کیفری، عکس العمل جامعه در مقابل متجاوزان و متخلفان است باید گفت که نظام کیفری میبایست شرایط و معیارهای اعمال کیفر را رعایت نموده تا به هدف نهایی خود که همان سرکوبی و ارعاب است نائل آید

۱) هدف نظام کیفری بر نظام اقتصادی بر اساس یک تفکر تاریخی و کهن، هنوز هم اساس و پایه نظام کیفری بر ارعاب و سرکوب استوار است. به عبارت دیگر، هدف غایی و مستمر اعمال مجازات از آغاز تا کنون ارعاب و سرکوبی اعمال و تجاوزات علیه جامعه بوده فالفه و جامعه شناسان بسیاری معتقدند که نباید تصور ارعاب، مکافات و سرزنش را از مجازات زدود، و در همین رابطه با تصمیم مبنی بر اصالح مجرم که دفاع اجتماعی بر اساس خطرناکی ناشی از شرایط زیست شناختی، روان شناختی و فرهنگی بزه کار توصیه کرده است مخالفاند. این بازگشت و احیای جریان «مجازات» سزادهی - ارعابی را میتوان امروزه در اروپا و امریکای شمالی بار دیگر مشاهده کرد (پردال، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵)

هر چند هنوز هم مجازات به عنوان یکی از پایهها و بنیانهای عدالت کیفری باقی مانده است، در مورد بازدهی و کارآیی اعمال مجازاتها اطلاعات قابل اعتمادی وجود ندارد، زیرا عوامل متعددی در ارتکاب جرم دخالت دارند که تعیین سهم و نقش هر کدام، کار بسیار مشکل و چه بسا غیرممکن باشد. لیکن تحقیقات انجام شده در این زمینه، هر چند خالی از ابهام نبوده، به نتایج امیدوارکننده قابل توجهی نیز دست پیدا آشکار است که نقش و وصف سزادهی - ارعابی مجازات هنوز هم کماکان نکرده است. بنابراین تقریباً به قوت خود باقی است.

۲) نظام کیفری، آخرین حربه مقابله با بزهکاری نوین اقتصادی یک سیاست جنایی مطلوب بایستی در کنار توجه به بزهکار و واکنش اجتماعی علیه بزه، به نفس مسأله

بزهکاری نیز توجه نماید، زیرا روند صعودی و تصاعدی افزایش بزهکاری و به ویژه انواع نوین آن، انتقادی است که نظام اصالحی کیفر را به طرز شدیدی تهدید مینماید، به شکلی^{۲۰} زیر سؤال رفته است. افزایش تصاعدی که بازدهی و کارآیی سیاست جنایی دفاع اجتماعی شدیداً کم و کیف بزهکاریهای نوین، اعم از جرائم خشونت آمیز، بزهکاری اقتصادی و مواد مخدر، حیثیت جنبش اصالح کیفر را خدشه دار نموده است. جرائم اقتصادی به نسبت توسعه صنعتی از پیچیدگی فزایندهای برخوردار شده‌اند؛ به شکلی که از آغاز سده اخیر حقوق کیفری اقتصادی توسعه گستردهای یافته است. بنابراین نظام کیفری به عنوان اقدامی که تأثیر آن در ممانعت از بزهکاری اقتصادی به اندازه سیاست جنایی اصالح کیفر مشکوک نبوده، آخرین حربه ممکن در جهت جلوگیری از بزهکاری اقتصادی است که در آخرین مرحله سیاست تقنینی قرار گرفته است که حداقل بهره آن به عنوان یک ضربه تند کوتاه و سریع غیر قابل انکار است (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

بخش هفتم: بررسی جرم شناختی جرایم اقتصادی و پیشگیری از آن

موضوع جرایم اقتصادی، جامعه و اختلال در نظام اقتصادی کشور است. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده لذا چالش‌هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، پراکندگی و بعضاً نامناسب بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و ... در پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. بدین ترتیب آنچه در تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی مهم است، تبیین مفهوم جهت شناخت ابعاد مختلف جرم اقتصادی، عوامل و نیز چگونگی مقابله با آن است. بر همین اساس ابتدا به تبیین چارچوب مفهومی، تعریف جرم اقتصادی و انعکاس آن در حقوق ایران، سپس به ویژگی‌های اساسی این جرم پرداخته می‌شود و در نهایت چگونگی پیشگیری از این جرایم، بررسی خواهد شد. با توجه به عدم

تعریف دقیق و صریح در قانون جرم اقتصادی عبارت است از: رفتار نامفهوم که مرتکب به واسطه جایگاه خاص و با بهره گیری از دانش و اطلاعات خود و نیز وسایل و شیوه های ویژه، با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری مرتکب می شود و آن فعل نیز نتایج شدیدی را به دنبال دارد. از جمع بین تبصره ماده ۳۶ و بند ب ماده ۱۰۹ می توان به این استنتاج مبادرت کرد که: نخست اینکه: قانونگذار جرایم اقتصادی را به طور صریح در قانون جدید مجازات اسلامی مورد توجه قرار داده است. دوم اینکه: مصادیق جرایم اقتصادی عبارتند از: کلاهبرداری، رشا و ارتشا، اختلاس، اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا، نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات خارجی، تعدی ماموران دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی، قاچاق کالا، جرایم مالیاتی، پول شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی. از دیگر نکات قابل توجه در مورد جرایم اقتصادی این است که مطابق قانون جدید، در صورتی که میزان جرایم اقتصادی، یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد، در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار الزاما منتشر می شود و در مورد کلاهبرداری چنانچه میزان این جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد و در صورتی که موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود.

بخش هشتم: مهمترین ویژگی های جرایم اقتصادی

الف) رویت پذیری کم

ب) رقم سیاه

پ) پویایی

ت) گستردگی دامنه خطر

ث) برخورداری از اطلاعات خاص

توسل به مجازات در جرایم اقتصادی منتهی به کسب نتایج مورد انتظار نمی شود. در نهایت اینکه اگر پیشگیری را به یک ساختمان و تدابیر پیشگیرانه را به مصالح تشبیه کنیم، پی خواهیم برد که بدون مصالح، ساختمان وجود نخواهد داشت، همچنان که این مصالح باید توسط یک ماده و مخلوطی به هم متصل شوند. بنابراین پیشگیری بدون مصالح و برنامه ریزی ربط دهنده، راه به جایی نخواهد برد. موضوع جرایم اقتصادی، جامعه و اختلال در نظام اقتصادی کشور است و هدف در مبارزه با جرایم اقتصادی، حمایت از نظام و چرخه اقتصادی کشور است، وقوع جرایم اقتصادی بیشتر گریبانگیر کل افراد جامعه است و متضررین این جرایم عموماً مردم هستند؛ جرایم اقتصادی به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی آن، غیر قابل گذشت هستند.

بخش نهم: دو رویکرد متفاوت پیشگیری از جرایم اقتصادی

بند اول: تدابیر قابل اعمال در محیط درونی

۱- استخدام نیروی انسانی ۲- تغییر دوره‌های پست برخی از افراد ۳- توزیع یک وظیفه بین چندین نفر ۴- حفاظت از اسرار تولیدی، تجاری و بازرگانی ۵- کنترل دوره ها و اتفاقی فعالیت شرکت ۶- نظاممند کردن مدیریت شرکت

بند دوم: تدابیر قابل اعمال در محیط بیرونی

۱- تحقیق درباره طرفهای معامله ۲- حفاظت از شبکه های رایانه ۳- نصب برنامه های
مجانی

با توجه به اینکه شیوه های پیشگیری به طور منطقی بر اساس نوع تعریفی که از جرم اقتصادی ارائه می شود متفاوت است. علت ارتکاب این دسته جرایم در سطح کلان به مجموعه هایی از عوامل مرتبط در سطح تولید، توزیع و مصرف، نوع نظام اقتصادی و نیز

فرهنگ جاری جامعه باز می گردد. در سطح خرد عوامل وضعی فرصت ساز از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین راهبرد پیشگیری در سطح خرد و در کوتاه مدت، پیشگیری وضعی فنی-فناورانه است که معمولاً از طریق تکنیک های دشوارکننده و خطر ساز برای بزهکار و جاذبه زدا نسبت به آماج جرم می توان نسبت به کاهش فرصت ها اقدام نمود.

نتیجه گیری

کیفرزدایی جلوهای از اعتدال گرایی در حقوق فعالیتهای اقتصادی است. در واقع، با تکیه بر مبانی مصلحت و عدالت میتوان از حقوق فعالیتهای اقتصادی کیفرزدایی نمود. طبیعتاً در این راستا باید تالش کرد که ابزارهای شدید حقوق کیفری را صرفاً برای مجازات رفتارهای واقعا مضر و متقلبانه در عرصه این نوع فعالیتهای محفوظ نگاه داشت. بدینسان، کیفرزدایی از جرایم کسب و کار با روشهای متنوع باید به عنوان یک راهبرد جدید در سیاست جنایی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اینکه کشور ما در میانه فرآیند خصوصی سازی است ضروری است از جمله مسائلی که باید در این خصوص مورد توجه خاص قرار گیرد، مسأله طور که می اشخاص حقوقی است. همان دانیم عرصه فعالیتهای اقتصادی بیش از همه در سیطره اشخاص حقوقی است و از این رو موضوع اصلی حقوق کیفری امور تجاری، بازرگانی و اقتصادی اغلب همین اشخاص حقوقی هستند. بنابراین، وقتی به دنبال کیفرزدایی از جرایم کسب و کار هستیم باید توجه ویژه ای به حقوق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی داشته باشیم. در واقع، بخشی از سیاست کیفرزدایی از جرایم کسب و کار تنها از طریق توجه به اشخاص حقوقی قابل پیگیری است. مجازاتهای شده در موبینی پیش رد این اشخاص، قواعد راجع به تکرار جرم و اعاده حیثیت از جمله مسائلی هستند که در

چارچوب سیاست کیفرزدایی قابل تجدیدنظر هستند.

اولاً، قانون‌گذار باید طیف وسیع مجازات‌ها را در قانون پیشینی و دادرس را مخیر نماید که حسب شرایط و اوضاع و احوال یکی از آن مجازات‌ها را در نظر بگیرد. طبیعتاً در این طیف مجازات‌ها باید برخی محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها هم پیشینی شوند تا دادرس با توسل به هریک از آنها همزمان عالوه بر مجازات شخص حقوقی در پی اجرای سیاست پیشگیری از تکرار جرم هم باشد. به‌عنوان مثال، مجازات‌هایی از قبیل ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری که در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی پیش‌اند را میتوان در همین راستا تفسیر نمود. در واقع، در این ماده قانونگذار همزمان اقدام به کیفرگذاری و کیفرزدایی کرده است و این مسأله به خوبی گویای حقیقتی است که قبال متذکر شدیم و آن اینکه کیفرزدایی در نقطه مقابل کیفرگذاری نیست.

ثانیاً، از طریق تجدیدنظر نسبت به قواعد راجع به تکرار جرم در خصوص جرایم اشخاص حقوقی میتوان به نوعی در این عرصه دست به کیفر گونه که زدایی زد. همان میدانیم، تکرار جرم یکی از مؤلفه‌های تشدید مجازات تلقی می‌گذازد ایران شود. قانون اگرچه در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی با به کار بردن کلمه هرکس این تصور موهوم را به وجود آورده است که مقررات راجع به تکرار جرم صرفاً در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است، اما تردید نباید کرد که این خبط لفظی به هی عنوان مانع آن نخواهد بود که قضات دادگاه‌ها در خصوص تکرار جرایم اشخاص حقوقی نیز به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی استناد کرده و مجازات آنها را تشدید نمایند. در این شرایط، یکی از روشهای کیفرزدایی از جرایم کسب و کار می‌تواند بازنگری در قواعد راجع به تکرار جرم در قلمرو فعالیت‌های اشخاص حقوقی باشد. به این صورت که قانونگذار مثال تکرار جرم را در زمانی مورد اشخاص حقوقی محقق بداند که مجازات جرم نخستین یا جرم دوم

یا هر دوی آنها از میزان مشخصی فراتر رود. بی تردید، وقتی قانونگذار در ماده ۱۳۸ صریحا اعلام میکند که «مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال اعمال نمی شود» قطعا تحت تأثیر مصالح و منافع اجتماعی چنین تصمیمی گرفته است و این مصلحت سنجی در مورد تمام یا برخی از جرایم اشخاص حقوقی نیز میتواند وجود داشته باشد.

ثالثا، یکی دیگر از روشهای کیفرزدایی از طریق اصلاح رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عبارت است از کاهش مدت الزم برای اعاده حیثیت مرتکب جرم. اعاده حیثیت در دو مفهوم مختلف مورد توجه قانونگذار ایران قرار گرفته است. مفهوم نخست آن، که در اینجا مورد نظر ما نیست، همانا اعاده حیثیت از یک گناه می باشد که به حکم قانون گاه به دنبال یک اشتباه یا تقصیر مقام قضایی و گاه به دنبال ارتکاب جرم نشر اکاذیب لازم می آید. اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات ایران به این مفهوم از اعاده حیثیت توجه داشته اند. اما مفهوم دوم اعاده حیثیت ناظر به حالتی است که فردی که دارای محکومیت کیفری مؤثر میباشد، مدتی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان از حقوق اجتماعی محروم میگردد. پایان این مدت که در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مشخص گردیده، همان روزی است که محکوم علیه مورد نظر اعاده حیثیت شده و همچون گذشته میتواند به عرصه فعالیتهای اجتماعی بازگردد. این مفهوم دوم از اعاده حیثیت است که در این قسمت مورد نظر ماست و در واقع میتوان گفت که کیفرزدایی از حقوق شرکتهای و اشخاص حقوقی ممکن است در قالب کاسته شدن از مدت الزم برای اعاده حیثیت تحقق پیدا کند.

حقوق اقتصادی، بر مبنای نیازهای جدید و با توجه به کاربرد قواعد حقوقی شکل گرفته است. این رشته حقوقی از مجموعه قواعد و عرفهای حقوقی، ساختارها، تشریفات، نهادها و روشهایی تشکیل یافته که پاسخگوی افزایش قابل ملاحظه نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی است. حقوق اقتصادی، با به کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه قانونمند شدن موضوعات مهم اقتصادی نظیر قیمت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و واردات، بانک، بیمه، اوراق بهادار، اعتبار، مالیاتها، رقابت، تولید، توزیع، مصرف و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی را فراهم می‌سازد. حقوق اقتصادی، در بسیاری از موارد آمرانه و مداخله‌جو است. این رشته حقوقی، با تمایل به وضع قواعد آمرانه، با نظم عمومی ارتباطی نزدیک داشته و قواعد آن در بسیاری از موارد دارای اوصاف قواعد حوزه حقوق عمومی است. حقوق اقتصادی، تنظیم‌کننده تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است. حقوق اقتصادی، به کمک دولت (حاکمیت) و به همراه ابتکارات بخش خصوصی با سازمان بخشیدن به جامعه، اداره‌کننده زندگی اقتصادی و به خصوص تولید و گردش ثروت است. ایجاد تعادل در حوزههای تولید، توزیع، مبادالت و مصرف، نقطه اشتراک قابل توجه حقوق و اقتصاد است. نظام حقوقی به کمک حقوق اقتصادی پدیدههای جدید اقتصادی را درک کرده و ضمن نظم بخشیدن به روابط در این زمینه، سعی بر ایجاد تعادل در روابط اقتصادی دارد. با این نگاه، حقوق اقتصادی، عامل ایجاد نظم و تعادل در امور حقوقی و سیاست اقتصادی خواهد بود. جرائم اقتصادی یکی از آسیبهای مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار میدهد. جرائم اقتصادی با زنجیرهای از جرائم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهارنامههای گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در

تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارد. پوله‌ای باد آورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه‌های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و ... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است. به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت‌ها در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند. جرائم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با نوع سیاست جنایی حاکم و نوع آن دارد، چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و ...) و فضای کسب و کار بر اساس نوع نظام سیاسی - اقتصادی حاکم تغییر پیدا میکند.

منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳) حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ چهارم
۲. آنسل، مارک (۱۳۹۱) دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علیحسین نجفی ابرندآبادی، گنج دانش، ویراست چهارم،
۳. ایزدی، پیروز (۱۳۸۷) معاهده لیسبون و پیامدهای آن برای اتحادیه اروپا، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴. باقرزاده، احد. (۱۳۸۳) جرائم اقتصادی و پول شویی، تهران، انتشارات مجد.
۵. برومند، شهرزاد (۱۳۸۷) امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران
۶. حیدری، قوچانی (۱۳۸۷) سنجش و بهبود محیط کسب و کار، انجمن مدیران صنایع
۷. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۷) مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۸. مرکز تحقیقات استراتژیک، سیاست کلی اصل ۴۴ و فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری ۱۳۸۹
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴) جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، تقریرات درس جرم‌شناسی، به کوشش مجتبی جعفری و دیگران، دانشگاه امام صادق (ع)
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۲) دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، ویراست چهارم
۱۱. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹) جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه

۱۲. نیلی، مسعود (۱۳۸۲) استراتژی توسعه صنعتی ایران، انتشارات علمی
۱۳. نیلی، مسعود (۱۳۸۳) اقتصاد ایران و معمای توسعه نیافتگی، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف
۱۴. هاشمی شاهرودی، آیت الله سید محمود. (۱۳۸۶) زمینه های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن. مجله حقوقی دادگستری، شماره.

منابع انگلیسی:

Ease of Doing Business

(<http://www.doingbusiness.org/~media/oilAWB/DoingBusiness/Documents/AnnualReports/DDB>)

Economy Profile: Iran, Islamic Rep.-Doing Business 2013

(<http://www.doingbusiness.org/reports/>) Doing Business Reforms

(<http://www.doingbusiness.org/reforms/>)